

بی‌برنامه‌های دیروز چه برنامه‌ای برای فردا دارند؟

به گزارش سایت خبری پرسون، تا پیش از ظهور بحران کرونا نیز مشخص بود که دولت محترم در زمینه اقتصاد و معیشت مردم از سه ناحیه آسیب‌پذیر است، بی‌برنامه‌گی در سیاست‌ها و تدابیر، کم‌حرکی در عمل و ناهماهنگی در ارکان؛ اما با همه‌گیری بیماری کووید ۱۹ و بروز تبعات اقتصادی آن، همچون پیکره‌ای که در شرایط فشار، نقاط ضعفش بیشتر به چشم می‌آید، سازمان و نظام فکری و اقتصادی دولت ازهم‌پاشیده است. امیدواریم دلیل این وضعیت، آن‌طور که برخی در پی آن‌اند، پیام به آن‌سوی مرزها و تأثیرگذاری بر انتخابات ۱۴۰۰ نباشد. دراین‌باره گفتنی‌هایی هست:

یک. روز گذشته، رئیس محترم جمهور از اختصاص یارانه ۱۰۰ هزارتومانی به یک‌سوم جامعه ایران برای ۴ ماه پایانی سال خبر داده است. این یعنی دولتی که بخش عمده‌ای از بودجه‌اش از محل فروش نفت تأمین نگردیده و با سختی و به لطایف‌الحیل در حال اداره امور است، برای ۴ ماه پایانی سال هزینه‌ای بالغ بر ۱۱ هزار میلیارد تومان بر خود تحمیل کرده است. اعانه ۱۰۰ هزارتومانی برای همراه در حالی مطرح می‌شود که دو روز قبل، رئیس سازمان برنامه‌وبودجه در نامه‌ای به ریاست محترم قوه مقننه، نوشته بود: «مردم به‌جای اعانه و یارانه خواهان رفع تحریم‌ها هستند.» باید از مردان اقتصادی دولت پرسید که بالاخره یارانه خوب است یا بد؟!

دو. از سوی دیگر، در چند ماه گذشته هر بار که نمایندگان مردم در مجلس به دنبال طرحی برای کمک به معیشت خانوارهای آسیب‌دیده از ناحیه کرونا بوده‌اند، نماینده دولت مخالفت کرده است. حال چگونه است که دولت، رأساً طراح و پیگیر ایده‌ای شده که بارها رسماً با آن مخالفت کرده است؟ سؤال کلی‌تر آن است که چرا برخی سیاست‌های اقتصادی کلان دولت پس از انتخابات ریاست جمهوری آمریکا و مشاهده نتایج آن تغییر کرده است. دولتمردانی که به بهانه‌های ارزی، با ترخیص حجم انبوه کالا مخالفت می‌کردند، یک‌باره چه در سر پرورانده‌اند که با تسهیل شرایط، از موضع پیشین خود عقب نشسته‌اند؟ آیا به‌راستی در این مدت که رسوب کالا در گمرک صورت گرفته بود و جامعه سخت محتاج کالاهای دپو شده در انبارهای گمرک بود، جز گرانی و کمبود برخی اقلام، اتفاق دیگری صورت گرفت؟ آیا دولتی که می‌خواست در انتها با تسهیل شرایط و قواعد گمرکی و ارزی، مجوز ترخیص کالاها را صادر کند، باید حتماً منتظر اولین سه‌شنبه ماه نوامبر می‌ماند؟!

سه. مسئله اساسی دیگر، بی‌ارزش شدن پول ملی است که ریشه اصلی آن، بی‌انضباطی مالی دولت‌ها و عدم پایبندی بانک مرکزی به قواعد علم اقتصاد است. جالب است بدانید که ایران یکی از معدود کشورهای دنیاست که تورمی بیشتر از ۱۰ درصد دارد و حتی برخی کشورهای منطقه ما که در آتش گروه‌های تروریستی و تکفیری، در معرض سقوط بوده‌اند، نرخ تورمی پایین‌تر از ایران داشته و دولت‌هایشان، بهتر اقتصاد را مدیریت کرده‌اند. حال سؤال این است که پرداخت ۱۱ هزار میلیارد تومان طی ۴ ماه، قرار است از کدام محل تأمین شود و بر اساس کدام یک از احکام بودجه است؟ رئیس محترم جمهور گفته‌اند که ستاد ملی کرونا آن را تصویب می‌کند، البته بعید است ندانند که چنین رقم بزرگی، در صلاحیت ستاد کرونا نیست. علاوه بر این، مگر ستاد کرونا ماشین امضای رئیس دولت است که هرگاه خواستند در جلسه‌ای شرکت نکنند یا از بودجه تخلف کنند، به مصوبات آن استناد می‌کنند. ریشه بی‌ارزش شدن پول ملی و تورم در کشور ما، بی‌انضباطی‌های مالی از جنس همین تصمیمات است.

چهار. مردم حق‌دارند بپرسند دولتی که با تبلیغات سنگین و وعده‌های گسترده، حتی بدون احتیاج به دریافت کد بورسی به مردم سهام گران و غیر ارزنده می‌فروشد، بر چه اساسی می‌خواهد به خود مردم یارانه دهد؟ مگر همین صندوق پالایش یکم که با وعده تخفیف ۲۰ درصدی به چند میلیون ایرانی فروخته شد، در حال حاضر به زیر ۸۰ درصد قیمت اولیه نرسیده و مردم متضرر نشده‌اند؟ برخی دولت را متهم ردیف اول رشد هیجانی بورس از یک‌سو و رها کردن بازار در شرایط اصلاح سنگین و ریزش آن می‌دانند. این یعنی دولت از یک‌سو به دنبال نقد کردن دارایی‌های خود در شرایط گرانی سهام و در سوی دیگر، پرداخت بخشی از همان درآمدها به مردم تحت عنوان اعانه کروناست که رفتاری مشکوک و دوگانه است.

پنج. هر یک از اشکالات دولت در زمینه مدیریت بحران کرونا، بورس، گمرک و سهام عدالت می‌تواند اتفاقی و ناشی از بی‌تدبیری باشد، اما از کنار هم گذاردن مجموعه این عوامل نتیجه خوبی نمی‌توان گرفت. امیدواریم آن‌هایی که برای هفت سال و نیم پشت سر، برنامه قابل قبولی برای اداره کشور نداشتند، برای کسب قدرت در سال پیش رو نیز برنامه‌ای نداشته باشند. این قطعاً لطف بزرگی به ملت ایران است.

سید محمد بحرینیان